

سلام، خوبی؟ خیلی خوش اومدی به قلم پر.

سلام. خوبم. خیلی هم خوش اومدم.

۱. خب! اول از همه... اسم، سن، قد، وزن، رشته و میزان تحصیلات، محل زندگی، وضعیت تاهل، تعداد خواهر-برادر... یه خرده خودتو معرفی کن کلا، ملت باهات آشنا شن.

نفس بکش آقا!

کیمیا هستم ۲۱ سال و ۱۱ ماهه از تهران! دی کارشناسی طراحی صنعتیم، مجرد و تک فرزندم.

آشنا شید!

سوالات جادوگرانی:

۲. اولین شناسه ات، به گفته ی خودت البته... Kimia_jigmil ؟ انصافا؟

آستوریا گرینگرس Old1 آقا! اون اسم های عجیب غریب به من نمیچسبه!

۳. انصافا شناسه ی دیگه ای نداشتی؟ -_-

نداشتم ریتا! نداشتم. به ریشت قسم که نداشتم.

یعنی داشتم. ولی هیچکدوم به ایفای نقش نرسیدن. تا آستوریا! اون موقع که رز و لینی نداشتیم مه بیان و بگن، یه ایفای نقشی هم هست! اول میومدم فقط گالری رو میدیدم. بعد میومدم اخبار رو میخوندم. و وقتی فهمیدم ایفارو، هی میومدم شناسه میساختم، هی رمز ایمیل رو یادم میرفت! تقریبا دو سالی طول کشید تا آستوریا رو بسازم و جدی شروع به فعالیت کنم.

۴. چطوری با سایت آشنا شدی؟ چند ساله بودی اون موقع؟

والا اگه اشتباه نکنم یکی از دوستانم نشونم داد. اون موقع خیلی هری پاتری بودیم! اول راهنمایی بودم. چند سالم میشه؟!

۵. چرا رفتی؟ چی شد برگشتی؟

سر یه سری مسائل شخصی رفتم. یعنی خیلی مقاومت کردم ولی آخرش مجبور شدم. برگشتن هم که...بودم! میومدم سر میزدم. سوژه هارو میخوندم. ولی روی برگشتن نداشتم.

۶. یادم نیست کی، ولی یادمه یه نفر می گفت (امضاش بود احتمالا:؟) بازگشت همه به جادوگران است و بس، یا یه چیزی تو این مایه ها... به نظرت حقیقت داره؟ لرد چی... لردم برمیکرده به نظرت؟ اصلا چه اتفاقی باید برای آدم بیفته که اینجوری بره؟

راجع به برگشت لرد سیاه، فقط امیدوارم که برگردن. تنها دلیل فعالیت الانم، همون امیده. بین یه موقعی، خیلی زحمت میکشی. خیلی وقت میزاری...بعد یهو یه چی میشه که دلت میشکته. اون موقعه که میزاری و میری. اینو تجربه کردم. البته من نرفتم، چون لرد کنارم بودن و بهم انگیزه دادن.

۷. چرا با وجودی که شناسه ی قبلیتم آستوریا بود، همونو باز نکردی و یه شناسه ی جدید ساختی؟

این یه کم پیچیده اس. لرد سیاه یه خاطره دارن تو خاطرات مرگخواران. همونی که خودتم یه بار لینکش کردی. اونجا یه اسم ازم اومد. منم میخواستم حالا که ارباب من رو یادشونه، حتما همون شناسه رو داشته باشم. البته نمیخواستم بدونن منم. حتی به این که نگم کی هستم و در نقش یه تازه وارد بیام فك کردم حتی! دی

۸. من تا حالا فکر می کردم شناسه های بسته شده دیگه ایفا اینارو نمیبینن... تو چطور با شناسه قبلیت تو خاطرات مرگخواران پست زدی؟

بیشتر خاطرات من با ارباب، مربوط به اون شناسه بود. از لینی خواستم و (ارباب ازش راضی باشن) اونم قبول کرد و شناسم برای چند ساعت باز شد.

۹. آستوریای قبلی یه مقدار نرم تر بود، نبود؟ این آستوریا یه جورایی مرگخوارتره به نظرم. چه اتفاقی براش افتاده که یهوایی اینقدر تغییر کرده؟

چرا بود. شاید مربوط به تغییرات خودم میشه که تأثیر گذاشت رو آستوریا.

۱۰. چرا آستوریا میخواد من و همه مرگخوارا رو بکشه؟ چرا اینقدر از من متنفری؟ :همر:

همش مربوط به حسادت میشه که شخصیت آستوریا نسبت به اربابش داره. البته همش ایفا نبود. بیشترش حقیقت داشت! :evil:

۱۱. من با درخت خانه ریدل مصاحبه کردم، میگه شبا تو خواب حرف میزنی. راسته؟ :همر:

اگر بزنم هم، از نقشه های شووم در راستای کشتار سوسك ها چیزی نمیگم!

۱۲. اندازه ناخونای آستوریا مکه چقدره که خودش یه پا سلاح به حساب میاد؟

یه گیف دارم تو تلگرام که فقط ایکاش میشد بفرستمش!
بلند...خیلی بلند!

۱۳. چرا دراگو اینقدر ازت میترسه؟ مکه چیکارش میکنی اکه به حرفت گوش نکنه؟

همش از یه سوژه تو "زز بازار" شروع شد. توش آستوریا و دراگو، لوسیوس و نارسسیسا، رز و اسکورپیوس داستان ها داشتن. اما خب... میتونم بگم که...ابتدا پوستش رو کنده و باهاش کیف پوست انسان درست میکنم، سپس دل و روده و امحا و احشاش رو جلوی تسترال ها میریزم. بعد توش رو با کاه پر میکنم و به عنوان مترسك، میذارم تو مزرعه ی خونه ی ریدل.

۱۴. پالی رو آخرش به کنیزی پسرت پذیرفتی یا نه؟ D:

ما از گریفندوری جماعت کنیم...دختر بگیر نیستیم!

۱۵. اکه همه ی شناسه ها باز بود و میتونستی هر کدوم که میخوای رو انتخاب کنی، کدوم رو انتخاب می کردی؟

بلاطریکس لسترنج.

۱۶. بهترین تایپیک و بهترین انجمن جادوگران چیه و چرا؟

انجمن که خانه ریدل. بهترین تایپیک هم خاطرات مرگخواران به نظرم. البته همیشه از تایپیک انجمن تفرقه خوشم میومد.

۱۷. خودت رول طنز بیشتر دوست داری یا جدی؟ تو کدومش موفق تری به نظر خودت؟

فک میکنم تو جدی بهترم. ولی خب کلا طنز مینویسم معمولا. به جز خاطرات و اینا.

۱۸. بهترین پستت از نظر خودت؟ لینک بده لطفا.

بهترین بودن یا نبودن رو نمیدونم. اما اینو بسیار دوست میدارم.

http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=321053

۱۹. بهترین سوژه ای که ادامه اش دادی و بهترین سوژه ی در جریان سایت کدومه و مال کدوم تایپیکه؟

والا تو این چندوقت رو اگه بخوام بگم، احتمالا سوژه های ماموریت. واقعا ادامه دادنشون لذت داشت. اما الان... واقعا ایده ای ندارم.

۲۰. کسی هست که هر پستی بزنه، بخونی؟ بهترین پستی که خوندی چی و از کی بوده؟ لینک بده اینم لطفا.

لرد سیاه. فک نمیکنم پستی زده باشن که نخونده باشم. به جرئت میگم این موضوع رو. حتی نقد هاشون رو! پست خوب خیلی خوندنم تو سایت. اما یه موقعی نمیدونم یادته یا نه، قرار بود من کشته بشم. پستی که لرد سیاه زدن، لحظه به لحظه اش حقیقت بود. حتی اون قدحی که نوشتن، حقیقت بود و واقعا انتظار نداشتم یادشون باشه. قطعاً لرد سیاه پست های خیلی عالی دارن. ولی اون همه توجه و وقتی که گذاشتن و حتی از تو پخ ها، سوژه واسه اون پست درآوردن، من رو واقعا متاثر کرد.

حتی اونجا که نوشته بودن که رودولف میره اتاق تسترال ها، واقعا اومدن تو چت گفتن که رودولف پاشو برو طویله و فلان.

http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=319000

۲۱. بهترین ها رو معرفی کن.

بهترین نویسنده ی جدی حال حاضر: لادیسلو

بهترین نویسنده ی جدی تاریخ سایت: لرد سیاه

بهترین نویسنده ی طنز حال حاضر: وینکی

بهترین نویسنده ی طنز تاریخ سایت: لرد سیاه

بهترین نویسنده ی هر دو سبک در حال حاضر: میشه بین لادیسلو و وینکی، مخرج مشترک بگیرید ؟

بهترین نویسنده ی هر دو سبک در تاریخ سایت: بگم یعنی باز؟!

بهترین مدیر سایت: گروه حشره و گیاه

بهترین ناظر انجمن: واقعا و بدون اغراق لرد سیاه

بهترین ایده انجمن: یه ایده تو تالار اسلی هکتور پیاده کرد. واقعا فوق العاده بود.

۲۲. وقتی تازه وارد بودی کی کمکت کرد؟ فکر می کنی بیشتر از همه تو سایت به کی مدیونی؟ الگوی نوشتنت تو سایت کیه/کی بوده؟

وقتی تازه وارد بودم رو واقعا یادم نمیاد. اما بعد یه مدت و بعد از اولین قدم، لرد سیاه خیلی کمک کردن بهم. این بار که برگشتم، چندین سال بود که ننوشته بودم. اگه کمک های لرد نبود، واقعا از پشش بر نمیومدم.

۲۳. بهترین دوستان تو سایت کیا هستن؟ کسی هست از سایت که وارد زندگی واقعیت شده باشه؟ تا حالا چه کسی/کسای رو از نزدیک دیدی؟ کی رو دوست داری ببینی یا باهاش بیشتر آشنا شی؟ از کدوم یکی از اعضا بیشتر خوشت میاد و چرا؟

والا در زمان های دور، یه نجینی بود. الان هکتور.
نه هیچکس رو ندیدم.

۲۴. تو سایت دشمن داری؟ از کی بدت میاد؟ اگه میتونستی کی رو حذف شناسه می کردی؟ دی

نه دشمن که نه! از کسی بدم نمیاد ولی هستن کسایی که آرزو میکردم ایکاش میتوانستم حذف شناسهون بکنم!

۲۵. تا حالا گروه دیگه ای غیر از اسلی بودی؟ نظرت رو درباره ی گروه های شش گانه ی سایت (ریون، اسلی، هافل، گریف، مرگخواران، محفل) بگو.

نه. از اول اسلی بودم. واقعا نظری راجع به گروه ها ندارم. فقط مرگخواران که خونوادمن.
اسلیترین هم خیلی بهش تعصب دارم.

۲۶. نظرت در مورد هاگ و کوییدیچ چیه؟ بهترین هاگی که تا حالا دیدی کدوم بوده؟

واقعا از هاگ و کویی متنفرم!

۲۷. وضعیت الان سایت چطوره به نظرت؟ با اوایل عضویتت مقایسه اش کن. چه کار باید بکنیم (بکنن: دی) سایت فعال تر شه؟ چرا یه دفعه اعضا غیب میشن، دوباره ظاهر میشن؟

والا اوایل عضویتم یه ایوان روزیه داشتیم. بسی خشن میزد! از ترسش فعالیت میکردیم. یعنی من که از ترس ایشون فعالیت میکردم! شوخی هم که نداشت...یهو میزد میترکوندت! همر:
غیب شدن اعضا، بیشتر تو تابستون اتفاق میوفته. تو تعطیلات میان و وقت میگذرونن. با تموم شدن تابستون هم میرن سراغ درس و مشقشون. این روند همیشگیه!
کار لینی و رز واقعا عالیه. من این دوره که اومدم، نمیفهمیدم چرا میگن سایت سوت و کوره. واقعا به نظرم فعال میومد. به نسبت قبلا ها!

۲۸. اولین بار ناظر کدوم انجمن شدی؟ ناظر بودن سخته؟ ناظر تالار خصوصی بودن سخت تره یا انجمن ایفا؟

نمیدونم. یا اول هاگزمد بود، بعد اسلی، یا بر عکس.
ولی اولین نظارتم با اینا بود.

نظارت تالار خصوصی واقعا سخته. البته سختیش واسه تابستونه. تازه واردا میان و تو کلی زور میزنی و سوژه هارو ساده نگه میداری، رول نویسی یادشون میدی. دنبالشون میدوئه و راهنماییشون میکنی. بعد تابستون تموم میشه و اونا غیب میشن! بعد هم میگن وظیفه اش بود دیگه! میخواست ناظر نشه!

واقعا تموم خستگی تو تنت میمونه.

۲۹. نظرت در مورد وزارت و انتخابات چیه؟ بهترین وزیری که تا حالا دیدی کی بوده؟ تو انتخابات به کی رای دادی؟ وینکی وزیر خوبی میشه به نظرت؟

هیچوقت دنبال نکردم وزارت رو.
به وینکی رای دادم.
وینکی جن وزیر خوب!

۳۰. کسی هست که به نظرت اسطوره ی جادوگرانی ها باشه؟ اسطوره تو جادوگران چطور به وجود میاد؟

در زمان های دور، مرگخواران لرد میخواستن. بعد از اومدن و رفتن سی تا لرد، لرد سیاه لرد شدن! موندن و گروه رو ساختن. بعد ها، تو یه دوره هایی، به جرئت میگم زنده موندن سایت رو مدیون زحمت های لرد سیاهیم. این موضوع رو کسایی که یه کم طولانی تر تو سایت بودن، به چشم دیدن.

۳۱. تا حالا پستی رو نقد کردی؟ نقد کردن بهتره یا رول زدن؟

نقد کردن یکی از کارای مورد علاقمه. نقد کردن برام راحت تر از پست زدنه. و بله، نقد کردم.

۳۲. چرا اینقدر رو املائی کلمات حساسی؟ منم همین حساسیت رو دارم، از کجا میاد به نظرت؟ مربوط به مرگخوار بودنه؟

خب قطعاً حساسیت لرد سیاه، روی مرگخوار ها هم اثر میذاره. اما راجع به گویل، یهو اومد با یه پست که باید رمزگشایی میشد. و خب من ناظر تالارش بودم. دلم میخواست وظیفه ام رو کامل انجام بدم. و از طرفی اعصابم به هم ریخت که ایشون پس فردا با این کوه غلط املائی میخوان وارد جامعه بشن. با لرد صحبت کردم و ایشون هم همین نظر رو داشتن. پس شروع کردم.

۳۳. در آینده برای سایت چه اتفاقی میفته؟

باید از آملیا فیتلورت بخوایم که حرکت ستاره هارو دنبال کنه و بهمون بگه.

۳۴. اکه خدای نکرده، مرلین بمیره و اون روز نیاد! اکه یه موقع سایت دیگه نباشه، چی از سایت برای همیشه برات یادگاری باقی میمونه؟

چیز های زیادی هست که برام میمونه. اما مهمترین چیزی که از اینجا یاد گرفتم، اصلاً چیز خوبی نیست! ترجیح میدم نگم!

۳۵. نظرت رو در مورد افراد زیر بگو.

لرد ولدمورت: یه بخش اعظم زندگیم رو مدیونشونم. واقعا یکی از دلسوز ترین و بهترین افراد زندگیم.
لینی وارنر: پیکسی زحمت کشیه.
آرسینوس جیگر: آگوستوس!

رودولف لسترنج: هر موقع عصبانیتیم از دستش خوابید، برمیگرم و نظرم رو میدم!
هکتور دگورث گرنجر: بهترین همکاری که تا الان تو این سایت داشتم. ضمناً نویسنده ی بسیار خوبی هم هست.
گرگوری گویل: دق میده یه روز من رو!

وینکی: جن خوب!
یوآن ابروکرومبی: هویج!
ریتا اسکیترا: راستی چرا ریتا اسکیترمون، عینک نداره؟!

۳۶. بیشتر دوست داشتی من باهات مصاحبه کنم یا یوآن؟ مصاحبه ی من بهتر بود یا یوآن؟ اینو آخر برگرد جواب بده. :دی

هویج مغلوب سوسک شد!

سوالات هری پاتری:

۳۷. اول کتاب یا اول فیلم؟ با کدومش به دنیای هری پاتر وارد شدی؟ کی و چطوری با هری پاتر آشنا شدی اصلا؟

کتاب.

واقعا یادم نیس چي شد که اینجوری شد. ولی یادمه کتاب هارو خوندم. و حتی جلد دوم جام آتش و سه جلد محفل ققنوس رو تو یه روز خوندم. بعدشم میخواستم برم شاهزاده دورگه رو بگیرم که بابام نداشت! گفت کور میشی بچه! هفته دیگه اونو برات میخرم. که فرداش به بهونه ی خریدن آطلس، رفتم وخریدمش.

۳۸. کتاب ها و فیلم هارو به ترتیب از محبوب به منفور لیست کن.

کلا با فیلم ها خیلی مشکل دارم. واقعا عصبیم میکن.

کتاب ها...

جام آتش-محفل ققنوس- شاهزاده دورگه- حفره اسرار-سنگ جادو- یادگاران مرگ

۳۹. محبوب ترین و منفورترین شخصیت کتاب از نظرت کی بود؟

عاشق بلاتریکس بودم. سیوروس اسنیپ رو خیلی دوس داشتم. تا وقتی که جلد آخر رو خوندم و منفور ترین شخصیت کتاب شد برام.

۴۰. آیا شده برگردی و دوباره بخونی/ببینی شون؟ دوباره همون حسی که بار اول برات داشت رو داشت، یا تکراری شده بود دیگه؟

کتاب هارو که نمیدونم چندصد هزاربار خوندم. فقط جلد آخر رو نمیخونم دیگه. نه همون حس رو دارم همیشه.

۴۱. من فقط دوتا از فیلمارو دیدم... به نظرت کیفیت ساختشون اینقدر خوب هست که برای هر پارت، یک و نیم گیگ ترافیک صرف کنم، بشینم ببینم؟ جای کارگردان ها بودی چی می کردی که بهتر شه؟

نه! نبین!

۴۲. جای رولینگ بودی چطور؟ داستان همینطوری خوبه یا تغییری میدادی توش؟

قطعا جلد آخر رو از همه کتاب فروشی ها جمع میکردم، میسوزوندم و دوباره مینوشتم.

۴۳. طرفدار شخص خاصی بودی تو کتاب؟

لرد سیاه!

۴۴. نمایشنامه و این چیزایی که جدید اومده هم خوندی؟ جانوران شگفت انگیز چی؟ دیدی اونو؟

فرزند نفرین شده رو خوندم و چند روز پیش کاملاً اتفاقی جانوران رو دیدم. هیچکوم هم دوس نداشتم.

۴۵. جمله ای، پاراگرافی، صحنه ای... چیزی از کتابا یا فیلما اگه دوست داشتی بگو.

صحنه ای که دوست داشتم باشم... خب تقریباً آخر هر فیلم و کتاب، از رو در رویی هری پاتر و لرد سیاه ذوق مرگ میشدم. بعد هری پاتر به جوری فرار میکرد و من حرص میخوردم! جمله و پاراگراف هم هست، ولی من الان به کتاب ها دسترسی ندارم.

سوالات شخصی:

۴۶. من خیلی بچه های سایت رو نمیشناسم... اگه یه بار ببینمت، اولین چیزی که به ذهنم برسه چی میتونه باشه؟

احتمالاً همون حسی که به آستوریا داری رو به منم پیدا میکنی!

۴۷. چه جور آدمی هستی؟ میشه تحملت کرد، یا تو زندگی واقعی هم همین قدر آستوریایی؟ :همر:

آستوریا قابل تحمل تر از منه!

۴۸. بهترین و بدترین اخلاقت چیه؟

زبونم خیلی نیش داره! یه وقتی یه جوری دل بعضیارو میشکونم که خودمم عصبی میشم از خودم! بهترین هم فك نکتم داشته باشم! :دی

۴۹. طرفدار جمعی یا اهل تنهایی هستی؟ چه جور جمع و افرادی رو می پسندی یا ازشون فراری هستی؟

بستگی داره. یه روزایی کلا گوشیم رو خاموش میکنم و از اتاق بیرون نمیام. یه روزایی هم کلا از تنهایی متنفر میشم. از آدمایی که فقط حرف میزنن و از عمل خبری نیست، فرار میکنم! چون اگه بمونم احتمالاً یه نیشی بهشون میزنم.

۵۰. تابستان خود را چگونه می گذرانی؟ :همر:

در جادوگران!

۵۱. اهل کتاب/فیلم/بازی هستی؟ چه ژانری؟ بهترین هارو معرفی کن بهمون، پوسیدیم به خدا از بیکاری تو این تابستون.

بازی که الان رو سه تا بازی قفل شدم.
brain wars, township, ballz
فیلم هم ترسناک بسیار میبینم.

کتاب هم میخونم. الان میخوام گیم او ترونز رو شروع کنم!

۵۲. آشپزی بلدی؟ دسپختت خوبه یا بخوریم غذاهاتو به فنا میریم؟

آخرین باری که غذا پختم، بابام یه قاشق خورد. و بعد...

-باباجون؟ اون بنده خدا به فردا صبح رسید، یا همون شب مرد؟!

-کی بابا؟

-آخرین نفری که غذا پختی براش!

بعدم پاشد قابلمه و غذا رو با هم گذاشت دم در.

۵۳. آهنگ اینا چی گوش میکنی؟ چه سبکی؟ طرفدار فرد یا گروه خاصی هستی؟ اگه بخوای به کسی که تا حالا آهنگای اون فرد/گروه رو نشنیده، یه track معرفی کنی که برای اولین بار بشنوه، اون چیه؟

نه طرفدار گروه خاصی نیستم. ولی آهنگ خیلی گوش میکنم. در واقع روزم با آهنگ گوش کردن میگذره. راک و هوس و گاهی هم پاپ.

۵۴. موزیک خاصی هست که تا حالا چونصد هزار دور گوشش کردی باشی؟ چرا؟

خب قطعا هست. ولی الان اصلا یادم نمیاد.

۵۵. درسخونی؟ کمترین معدل چند بوده تا حالا؟

این ترم! هنوز نیومده معدل. ولی دو تا یازده دارم. دو تا بیست. دو تا نوزده. دو تا هجده و نیم. قطعا معدلم میمیره! درس های من بیشتر عملیه. تئوری هارو شب امتحان میخونم!

۵۶. خاطره ی خاصی از دوران مدرسه نداری برامون تعریف کنی؟ (جیم شده باشی، از کلاس انداخته باشنت بیرون، خرابکاری کرده باشی...)

والا دوران دبیرستان، خیلی آتیش میسوزوندیم. کلاس دوم ریاضی، یه کلاس ۷ نفره بودیم، همه هم مثل هم! تنها دلیلی که اخراجمون نمیکردن، نمره هامون بود. کلا همه ی مدرسه رو میبردن اردو، ما رو نمیبردن. میگفتن میان اونجارو آتیش میزنید!

۵۷. اگه بهت زمان برگردان بدن، دلت میخواد به چه روزی برگردی؟ چه چیزی رو تو زندکیت عوض می کنی؟ اصلا عوض کنی بهتره یا نکنی؟

قطعا روز ها و اتفاق هایی هست که دلم نمیخواست هیچوقت پیش بیان. اما نه... احتمالا عوض نمیکردم. شاید اگه اون اتفاق ها نبودن، من الان این آدم نبودم.

۵۸. تو آینه نفاق انگیز چی می بینی؟ آستوریا چی میبینی؟

خودم رو نمیدونم. اما آستوریا احتمالا خودش رو میبینی که سمت راست لرد سیاه ایستاده.

۵۹. ده سال بعد کجایی؟ چیکار می کنی؟ اون موقع به جادوگران فکر می کنی اصلا؟ وقتی به این روزها تو جادوگران فکر کنی چه حسی بهت دست میده؟

من واسه فردا صبحم برنامه ندارم. تو ده سال دیگه رو داری میپرسی؟! شاید اون موقع هم تو جادوگران بودم...کسی چه میدونه!

۶۰. از چه شکلی خیلی خوشت میاد و زیاد استفاده می کنی؟

ysmil: فتوکپی خودمه!

۶۱. اگه قلم پر دست تو بود با کی مصاحبه می کردی؟ هم از بچه های سایت، هم یه شخصیت واقعی.

یه شخصیت واقعی؟...هوم...احتمالا رولینگ. میرفتم میپرسیدم این چه پایانی بود که واس این داستان زدی آخه؟ سایت هم... نمیدونم... شاید تو و روباه!

۶۲. از سوالا که خسته نشدی؟ دی

سه روزه دارم جواب میدم. تموم نشده!

۶۳. اهل قلم هستی؟ وبلاگ داری؟ چه سایتایی غیر از جادو فعالیت می کنی؟

خیر. خیر. نمیکنم!

۶۴. وقتی تنهایی یا حوصله ات سر میره چیکار می کنی؟ تفریحات چیه؟ وقتی تنها نیستی چی؟

فیلم میبینم. بازی میکنم یا میرم بیرون و خیابون گردی. تفریح خاصی نمیکنم. وقتی تنها نیستم و با دوستانم، عموما یا مسافرتیم، یا کافه ای جایی!

۶۵. یه روز کامل رو از صبح که بیدار میشی تا شب که میخوابی بهمون بگو چیکار می کنی؛ روزت چه طور میگذره در واقع؟

خب صبح بیدار میشم، یه کم بازی میکنم تا لود بشم. بعد یه چی میخورم و میرم باشگاه. بعدشم بیرونم تا شب تقریبا. وسط همه اینا هم، خودتون جادوگران و بازی رو اضافه کنین.

۶۶. چی حالتو خوب یا بد میکنه؟ بلدی حال خودتو خوب کنی؟

به جرئت، این تنها کاریه که خواستم اما یاد نگرفتم! شکلات حال رو خوب میکنه! ریتز اسپرت نعنائی! اگه جواب نداد، لواشک و آلوچه صد در صد جواب میدن! حال خیلی آسون بد میشه. اگه رو مود خوبی نباشم، حرکت یه پشه هم میتونه عصبیم کنه.

۶۷. کی رو برای مصاحبه بعدی پیشنهاد می کنی؟

مافلدا هاپکرك: دی:همر:

۶۸. سوالی هست که نپرسیده باشم ولی دوست داشته باشی بهش جواب بدی؟ حرف خاصی؟ صحبتی؟
تعارف نکن! :همر:

ماشالمرلین طومار بود. سوال جا نمونده دیگه!

۶۹. کدوم سوالو بیشتر از همه دوست داشتی؟

بین سوالات فرق نمیدارم. همه رو به اندازه دوس دارم!

۷۰. حرف آخر؟ یا همون: هر چه میخواد دل تنکت بگو.

خیلی خوشحال شدم. خیلی خوش اومدم. بازم از این افتخارا میدم به قلم پرتون و به علامت شوم میسپرمتون!

کجا میری چمن؟ بشین، سوالای بچه ها مونده هنوز! :evil:
خیلیاش تکراریه البته.

ویزلی جن زده

۷۱. چرا اینقدر دراگو بدبختو کتک میزنی؟

من همه رو میزنم!

۷۲. نظرت راجع به اسم جدیدی که واسه پسرک گذاشتیم چیه؟ (زردنبوا!)

کام تو:

همینا دیگه. در پناه مرلین!

گوریل انگوری [خودش یه مصاحبه اس این!]

۷۳. رابطتون با استاد هکتور چطور یاست؟ با هم کنار میاین یا نه؟ کلا معجونتون تو ی پاتیل میجوشه؟

میجوشه خیلی خوب. هکتور همکاره فوق العاده ایه.

۷۴. چرا این ترم استاد هیچکودوم از درسا نشدین؟

واقعا علاقه ای نداشتم.

۷۵. قصد دارین در آینده استاد شین؟ (اگه آره چه درسی؟)

خیر.

۷۶. چرا اینقدر اسکوریپوس رو مظلوم گیر آوردین؟

این مانتیکور کجاش مظلومه ؟!

۷۷. چرا از پسترتون در برابر مظلوم گیر آورده شدن توسط بقیه جادوگران و ساحره ها دفاع نمیکنید؟

خودش دو متر زبون داره خب!

۷۸. چرا شوهرتونو اینقدر ترسو بار آوردین؟

از اولش همینجوری بود.

۷۹. قصد ندارین برا اسکورپیوس زن بگیرین؟

خیر. ما اسکورپیوس رو برای منافع مهمتر، مثل ترسی انداختن به دنیا آوردیم!

۸۰. روش به قتل رسوندن دراکو رو درصورت خیانت شرح دهید!

بالا، به صورت کامل توضیح دادم.

۸۱. اگه اسکورپیوس بره زن محفلی گریفندوری بگیره چه بلایی سرش میاد؟

همون بلایی که درباره پدرش توضیح دادم!

۸۲. دوست داشتین بجای اسکورپیوس دختر داشتین؟

فرقی نمیکنه. طرفدار سیاهی باشه، پسر و دخترش مهم نیس!

۸۳. اگه اسکورپیوس محفلی بشه چیکار میکنید؟

اسکورپیوس اختیار زندگی خودش رو داره. :ساطورش را برای روز مبادا، تیز تر میکند:

۸۴. رابطتون با ریاست حشره و گیاه چطورریاست؟(ینی با این سبک مدیریت سایت کنار میاین؟)

واقعا کار لینی و رز، حرف نداره.

۸۵. به وینکی رای دادید؟

بله.

۸۶. دوست داشتنی ترین شخصیت از بین شخصیتایی که دیدید؟(به یاد موندنی ترین یا بهترین نه! شخصیتی که لبخند به لب بیاره!)

ایوان روزیه، ملقب به شامپو !

۸۷. کسی هست که از شخصیت پردازیش خوشتون نیاد؟

هوم...نمیدونم. شاید!

۸۸. شغل و تحصیلات دنیای ماکلی رو شرح بدین لطفا!

هنر میخونم و در همین زمینه هم گاهی کار میکنم.

۸۹. نظرتون درمورد مظلوم واقع شدن گویل و حضور بیش اندازه کم رنگش توی کتاب چیه؟

حضور گویل...حضور!

۹۰. به نظرتون بدترین شخصیتی که یکی میتونه از خودش توی سایت جا بندازه چیه؟

خب چرا یکی باید بخواد که بدترین شخصیت ممکنه رو جا بندازه؟!

۹۱. بهترین جایگزین "با شیرجه وسط سوژه پریدن" برای تازه واردا چیه؟

با شیرجه وسط سوژه نپریدن!

۹۲. داستان نا تمومی هست (توی انجمنهای رول پلینگ) که داستانشو دوست داشته باشین و دنبالش کنید؟

واقعا الان حضور ذهن ندارم. بعدا اگه یادم اومد، میام و میگم.

۹۳. تفاوت های سایت با لرد و بی لرد رو شرح بدین!

شرح میخواد؟! داریم میبینیم دیگه!

۹۴. شخصیت آلبوس دامیلدور کتاب از نظر خودتون رو شرح بدین! (نقات ضعف و قوتش)

نقاط گویل! نقاط!

۹۵. بزرگترین اشکال داستان هری پاتر از نظر شما؟ (تعارف نکنید! به هر حال هرکسی یسری چیزا رو دوست نداره.)

یه سری.

پایان مزخرفش!

۹۶. بهترین دوست جادوگرانتون توی دنیای واقعی؟

هکتور.

۹۷. به عشق اعتقاد دارین؟ (سوال محفلی شد!)

سؤالات مرگخواری بپرسید ازمون!

۹۸. قشنگ ترین جمله ای که خوندین یا شنیدین و یادتونه: (از هرجا. فرق نمیکنه.)

بودن یا نبودن...مسئله این است! :همر:

۹۹. اکه میفهمیدین در دنیای ماگلی ساحره اید و یجور قفل جلوی جادوتون رو گرفته و خاطرات جادوییتون با ی سری تلم پاک شده بوده عکسالعملتون چیه؟

یه جور-یه سری-عکس العمل.
تلم؟! تلم؟! طلسم؟! شوخی داری میکنی دیگه نه؟!

۱۰۰. بخش مورد عاقتون توی سایت؟

مورد عاقم؟! یعنی عاقش کردم؟! محفل ققنوس رو عاق کردم!

۱۰۱. اکه بگین فقط برای یک چیز زندگی میکنید اون چیز چیه؟

شکلات!

۱۰۲. اکه همه شخصیت ها باز بود کودومو برمیداشتین؟

بلا تریکس لسترنج!
پ.ن: طومار گویل. تومار، اسم یه شهر تو پرتغاله! البته به این معنی هم استفاده میشه، اما طومار بهتره.

اسکورجیفای مالفوی
مامان جونم! میشه لطفا سوالای پسر در دونتم جواب بدی؟

خیر. نمیشه!

۱۰۳. چرا شخصیت آستوریا رو انتخاب کردی؟ اون همه شخصیت!

خب، بلا تریکس لسترنج اون موقع پر بود. پانسی پارکینسون هم داشتیم. ناریسیا هم داشتیم!
رفتم سراغ یه شخصیت که کسی شناسه، که هر جور خودم میخوام معرفی کنم. تو لیست شخصیت ها، آستوریا رو دیدم.
حتی نمیدونستم آستوریاس... آستوریاس... آستوریاس... چیه. دیگه با ایوان یا شایدم آنتونین، سر آستوریا به توافق... که
نرسیدیم! اونا گفتن آستوریاس. میخوای بخواه، نمیخوایم شناسه مالی ویزلی رو میدیم بهت!

۱۰۴. چرا انتخاب کردی یه شخصیت سیاه باشی؟

دوست داشتم خب!

۱۰۵. چرا خواستی ناخونات تیز باشن و ناخونات سلاحت باشن؟

والا آستوریا ی اولیه، جیغ ها و نیشگوناش بسیار معروف بود اون موقع! بعد از برگشتنم، از اون نیشگونا، ناخونام به جا موند
دیگه!

آماندا

۱۰۶. تو زندگی واقعی هم انقدر جدی هستی؟

گاهی بله.

۱۰۷. آیا زمانی بوده بخوای برای همیشه از سایت بری؟ (به هر دلیلی)

همین چند هفته پیش بلیت زدم!

۱۰۸. از چه تاریخی تو سایت هستی؟

والا تو سایت که فك كنم از ۸۶. ولی فعالیت درست و حسابی، از ۸۸ یا ۸۹.

۱۰۹. رنگ مورد علاقت چیه؟

بنفش، مشکی.

۱۱۰. از کدام شخصیت کتاب بیشتر خوشت میاد؟ (اگه اولیش آستوریا هستش دومی بگو)

بلاتریکس. آستوریای بیچاره که فقط نیم خط تو کتاب بود!

۱۱۱. تا به حال رولی زدی که ازش راضی نباشی؟ (بی زحمت لینک بده)

بله! بسیار!

http://www.jadoogaran.org/modules/newbb/viewtopic.php?post_id=317245

۱۱۲. از اینکه تو فرزند نفرین شده آستوریا مرده ناراحتی؟

نه! هیچ حسی به آستوریا ی کتاب ندارم.

۱۱۳. میونت با ورزش چطوره؟

به طور جدی ورزش میکنم.

آملیا فیتیله

۱۱۴. تا حالا شده بخوای تغییر گروه بدی یا نه؟ اکه آره، چرا و اکر نه... چرا؟

خیر. قلبا اسلیترین رو دوس دارم.

۱۱۵. اکه میتونستی غیر از آستوریا یکی دیگه رو ور داری کی رو ور میداشتی؟ اسلایترینی بود یا نه؟

بلاتریکس.

توربین لیسک

۱۱۶. چرا آستوریا؟

چرا لیسا ؟

۱۱۷. چرا ناخن؟

چرا پاشنه کفش؟

۱۱۸. شناسه (های) قبلیت چی بودن؟

آستوریا !

۱۱۹. چرا من قهرم؟

چرا واقعا ؟!

تموم شد. قهرم!

دوره ویلیامز

۱۲۰. والا یه بنده خدایی تو مار کرد همه چی پرسید (منظورم بعضیاست نه کوئل) ولی اکر تازه وارد سایت شده بودی و میتونستی از اول شروع کنی بیش ر تو تالار های گروهت فعالیت میکردی تا اول همگروهیات بشناسنت یا نه مستقیم میرفت تو تالار های عمومی خودتو نشون میدادی؟

نه! قطعاً از تالار خودم شروع میکردم. که یه شخصیت جا افتاده و درست و حسابی رو به سایرین معرفی کنم.

سونامی!

۱۲۱. چیه که فکر می کنی اسلیترین داره و بقیه گروهها ندارن؟

"سین": دی

۱۲۲. و برعکسش چي رو دلت می خواست داشته باشه که نداره؟

همه چي داره! حرف در نیارید واسه تالارمون!

پاول رایتمن: هم:

یه به مادر شوهر گرامی!

یه به چي چي ؟!

یه چند تا سوال داشتم. (البته اکه بشه بهشون گفت چند تا)
۱۲۳. چرا دراگو رو زن ذلیل بار آوردی؟ واسه یه مرد یه خورده زشته!

من نیاوردم که! دسته گل نارسیس!

۱۲۴. چرا اسکورپیوس بچه ننه ست؟

نیست!

۱۲۵. چرا ناخن هات تیزن؟

چرا موهات نارنجین؟

۱۲۶. چرا بین اینهمه دختر به من گیر دادید؟

ما به تو گیر ندادیم! تو اومدی پسرمون رو اغفال کردی!

۱۲۷. چرا اینهمه خونسرد در عین حال ترسناکی؟

چرا گرگینه ی گیاه خواری؟

۱۲۸. چند ساله عضو سایتی؟

بالا تر توضیح دادم... خیلی بالاتر!

۱۲۹. چرا شناسه آستوریا؟ خب، اون آستوریایی که من تو فرزند نفرین شده دیدم می شه گفت نقطه مقابل آستوریایی هست که تو ساختیش. چرا تغییرش دادی؟ چه چیزی رو در این تغییر بیشتر می پسندی؟

اینم تو سوال های اسکورپیوس کامل توضیح دادم.

۱۳۰. به نظرت بهترین نویسنده سایت در حال حاضر کیه؟

در حال حاضر، کسی که حضور داره، وینکی! واقعا این جن، قوه تخیلی بوده که دست و پا درآورده!

۱۳۱. چند تا شناسه قبلی داشتی؟

بالا!

۱۳۲. به وینکی رای دادی؟

بله.

۱۳۳. نظرت در مورد وینکی چیه؟ به نظرت می تونه دولت موفقی داشته باشه؟

وینکی جن خوب!

۱۳۴. لینک بدترین رولی که داشتی رو بذار.

بالا.

۱۳۵. چرا مرگخوار شدی؟ به نظرت دلیل اینکه بیشتر اعضای سایت سمت سیاهی می رن چیه؟

من از موقع خوندن کتاب ها، به مرگخوارا علاقه داشتم. و خرص میخوردم که چرا اینقدر کم راجع بهشون نوشته!
تو بازی های هری پاتری دوران طفولیت هم، همیشه مرگخوار بودم!
دلیل مرگخوار شدن اکثریت اعضا، به نظرم فعالیت لردسیاه و مرگخواراس.

۱۳۶. نظرت درباره مدیریت سایت چیه؟

همیشه فکر میکردم که بعد از ایوان، هیچکس نمیتونه به اون خوبی سایت رو بچرخونه... و خب حالا... میبینم که اشتباه
میکردم! تیم مدیریتی حشره و گل، بسیار موفق عمل کردن.

۱۳۷. به غیر از استوریا چه شناسه هایی نظرت رو جلب کرد؟

بلاتریکس لسترنج.

۱۳۸. چرا چند سال نبودی؟

بالا!

و آخرین سوال:

۱۳۹. نظرت درباره من(پالی چپمن) چیه؟

پالی مرد چپ هم جن خوب!

داف مالی:همر:

خوب منم چند تا سوال دارم.

۱۴۰. چرا ناخانات اینقدر تیز هستند چه استفاده ای ازشون مکر میکنی که اینقدر تیز هستند؟

قتل!

۱۴۱. حاضری جونت را به خاطر دراکو فدا کنی؟

حاضرم جونش رو بگیرم!

۱۴۲. خوش حالی از اینکه تو مرگخواری و تو اسلیترین افتادی؟

بله.

۱۴۳. اگر قرار بود وسیله ای را اختراع کنی چه چیز را اختراع میکردی و چرا؟

تا حالا بهش فکر نکردم. اگه چیزی به نظرم رسید، میگم حتما.

۱۴۴. چه غذایی رو دوست داری؟

هیچی! کلا به غذا علاقه ندارم.

۱۴۵. نظرت در مورد من (دافنه مالدون) چیه؟

و همینطور داف مالی هم جن خوب!

به سلامتی و میمنت تموم شد!

برید خونه هاتون دیگه! :missblack: